

## نقاط قوت و ضعف ادله در امور کیفری

مصطفی کریمی

کارشناسی ارشد، حقوق جزا، دانشگاه علوم قضایی، دهگلان

### چکیده

بر اساس قاعده‌ی کلی "البینه علی المدعی" بار اثبات ادله بر عهده‌ی دادستان می‌باشد. همچنین بر اساس ماده‌ی ۱۱ قانون آیین دادرسی کیفری، دادستان نیز وظیفه‌ی تعقیب متهمان را به عهده دارد؛ اما این ابتکار و هنر دادستان و شاکی می‌باشد که از بین ادله‌ای که می‌توانند جمع‌آوری نمایند، با توجه به قوت و ضعف‌های هر دلیل، انتخاب نمایند که کدام ادله به بهترین نحو می‌تواند آن‌ها را در اثبات ادعای خود کمک نماید. هر ادله‌ای از جمله اقرار و گواهی گواهان، قوت و ضعف خود را دارد که شناخت ادله و شناخت ویژگی‌های ادله، مقام تعقیب و مقام تحقیق و طرفین پرونده را یاری می‌دهد تا بر اساس ویژگی‌هایی که قانون برای هر ادله مشخص کرده است، در هر پرونده‌ای اتخاذ تصمیم شود. آن چیزی که بیش از هر چیز نگارنده را به نوشتن این گفتار ترغیب نمود، عدم مشاهده‌ی مطالب مرتبط و عدم رفع ابهامات قانونی مربوط به ادله در کتب و منابع حقوقی است، بخصوص آنکه این‌گونه مشکلات از جمله "احراز خصومت گواه" در بسیاری از پرونده‌ها گریبان دستگاه قضایی را می‌گیرد درحالی‌که منبعی برای رفع ابهام این موارد توسط نگارنده مشاهده نشده است و طبیعتاً در این گفتار نیز امکان استفاده از منابع بیشتر فراهم نشده است.

واژه‌های کلیدی: قوت، ضعف، امور کیفری

## ۱- مقدمه

شاید بتوان گفت از بهترین دلایل اثباتی ادعاها، اقرار متهم است، چراکه کمتر از دلایل دیگر متزلزل می‌شود. (جعفری نگرودی، ۱۳۸۶، ۱۲۹) "اعلام متهم قبل از تعقیب یعنی آگاهانیدن مأموران به وقوع جرم و یا اقرار او در مرحله‌ی تحقیق نزد مقام تحقیق و یا دادرسی که مؤثر در کشف جرم باشد. . ." (امینی و آیتی، ۱۳۸۰، ۹۱)

اما ضعف اقرار این است که به راحتی نمی‌توان اقرار را مورد پذیرش قرار داد، حتی اگر شرایط قانونی علیه مقرر باشد و حتی اگر با اقرار متهم، مجازات وی قطعی باشد. در برخی موارد اقرار متهم، متهم با اقرار خود، چیزی بیش از آنچه از دست می‌دهد، بدست می‌آورد. عبارت دیگر گرچه ممکن است مجازاتی از جنس جزای نقدی را متحمل شود اما از سوی دیگر توسط دیگران تطمیع می‌شود تا خسارات وی توسط دیگران یا توسط صندوق های جبران خسارات جبران شود. "نباید از نظر دور داشت که گاه به دلایل عاطفی یا سودجویی و به منظور منحرف ساختن تحقیقات، برخی اقرارهای خلاف واقع صورت می‌گیرد که باید با دقت و احتیاط نسبت به آنها نگریست." (خالقی، ۱۳۹۳، ۱۴۲)

از جمله مواردیکه متهم برخلاف واقعیت اقرار می‌کند، اقرار در تصادفات ساختگی است. چراکه اساساً تصادفی در میان نبوده است، جراحات و صدمات در اثر تصادف نبوده است، بلکه حداقل دو تن با تبانی یکدیگر، حادثه ای را تصادف جلوه می‌دهند تا خساراتی را از بیمه دریافت نمایند. لذا در این موارد، کارشناس و مقام قضایی و ضابطین، باید در عدم پذیرش اقرار و بررسی کامل شرایط دقت داشته باشند. در پرونده‌های مطرح شده با عنوان عدم رعایت نظامات دولتی منجر به جراحات نیز ممکن است همین مشکل مطرح شود، یعنی اساساً "جرم ادعایی رخ نداده است بلکه صرفاً" برای دریافت دیه یا خسارت از شرکت یا اداره ای یا حتی برای عدم پرداخت خسارت های بیمارستان، پرونده‌ای بی مبنا تشکیل می‌شود. (اردبیلی، ۱۳۹۷، ۱۶۸)

در برخی پرونده‌های قتل عمد نیز صرف اقرار نباید ملاکی برای توقف تحقیقات در پرونده شود. چراکه ممکن است این اقرار واقعیت نداشته باشد و برای فرار از مجازات مجرم واقعی اقراری مطرح شده باشد؛ مانند اینکه عموی مقتول که برادرزاده ی خود را به عمد کشته است، موضوع قتل را پنهان می‌کند، پدر مقتول برای فرار مجازات برادرش از مجازات قصاص، اقرار به قتل می‌کند تا ضمن پوشاندن موضوع قتل توسط برادرش، خود نیز از مجازات قصاص معاف باشد. همچنین ممکن است غیر مسلمانی، غیر مسلمانی را به قتل برساند و مسلمانی برای فرار مجازات قاتل از قصاص نفس، اقرار به قتل نماید تا غیر مسلمانی از مجازات قصاص بگریزد و در عمل هیچ فردی برای کشتن قتل فوق قصاص نشود چراکه مسلمانی در برابر کشتن غیر مسلمانی قصاص نمی‌شود. (آشوری، ۱۳۹۸، ۴۲)

لذا می‌توان نتیجه گرفت از معایب اقرار این است که ممکن است بدون توجه به واقعیت های پرونده، اقرار مورد پذیرش واقع شود در حالیکه اقرار دارای زوایای پنهانی است و به راحتی نمی‌توان صرف اقرار به جرمی، نسبت به محکومیت مقرر اقدام کرد و شایسته است با اقرار متهم، اقدامات قضایی لازم همچنان ادامه یابد. این موضوع در ماده‌ی ۱۷۱ قانون مجازات اسلامی مورد توجه مقنن واقع شده است. بر اساس ماده‌ی فوق، چنانچه قرائن و امارات برخلاف مفاد اقرار باشد، دادگاه تکلیف دارد تحقیقات مرتبط له و علیه متهم را ادامه دهد و چنانچه دادگاه به غیر واقع بودن اقرار علم حاصل کرد براساس بخش اخیر همان ماده می‌تواند بدون دغدغه، رای صادر نماید؛ اما از آنجا که در ماده‌ی فوق به "دادسرا" اشاره نشده است، اگر متهم در دادسرا اقرار نمود و قرائن مخالف اقرار در پرونده بود، آیا دادسرا بر مبنای اقرار باید قرار صادر نماید و تحقیقات بیشتر را به دادگاه محول نماید یا خود تحقیقات ناقص اقرار را تکمیل نماید؟ بنظر می‌رسد گرچه در ماده‌ی فوق با "دادسرا" اشاره ای نشده است اما

شایسته است دادسرا بر اساس وظایف عام خود مستنبط از اصول دادرسی، تحقیقات متناقض با اقرار را ادامه دهد و چنانچه اقرار بدون مبنا باشد، بر اساس همان ماده، بدون توجه به اقرار متهم، اتخاذ تصمیم نماید. (اسدی نیا، ۱۳۹۰، ۵۹)

از معایب دیگر اقرار می توان تاکید مقنن به تکرار اقرار در برخی جرایم نمود. مشاهده شده است که در پرونده‌ای متهم در جرم سرقت حدی در دادسرا دو نوبت اقرار نمود و مقام قضایی بر اساس اقرار فوق قرار جلب به دادرسی صادر نمود اما متهم پس از مدتی، در دادگاه از دونوبت اقرار عدول نمود و صرفاً به یک بار اقرار اکتفا نمود. صرف نظر از اینکه دو نوبت اقرار متهم در دادسرا جرم حدی سرقت را اثبات می کند یا خیر، باید اعمام کرد اساساً اگر متهم در دادگاه اساساً اقرار خود را انکار نماید، کدام دلایل معتبر خواهد بود. بنظر میرسد بر اساس ماده‌ی ۱۷۲ و ۲۱۸ از قانون مجازات اسلامی اقرار متهم در جرم سرقت حدی باید نزد قاضی صادر کننده ی رای انجام شود.

### گواهی گواهان

شاید با توجه به شرایط لازم برای گواهان که در ماده‌ی ۱۷۷ قانون مجازات اسلامی احصا شده است، بتوان گفت که گواهی گواهان، بیش از سایر ادله برای استناد کننده به آن در دادرسی است. چراکه ابتدا باید شرایط گواهان برای محکمه ثابت شود و پس از آن هم مشکلات دیگر ممکن است بروز کند، مشخص نیست گواهان از تمام موضوع ادعای طرفین اطلاع دارند یا خیر. مشخص نیست تمام واقعیت در ذهن آنان باقی مانده است یا خیر. همچنین بر اساس ماده‌ی ۱۷۶ قانون مجازات اسلامی تشخیص میزان تاثیر و ارزش اظهارات گواه در علم قاضی، در حدود اماره ی قضائی با دادگاه است. پس هر گواه معرفی شده به دادگاه بعنوان گواه شرعی تلقی نمی‌شود و لازم است دادگاه شرایط را بررسی نماید. حتی اگر این اقدامات اجرا شود، این اقدامات برای هر پرونده بسیار زمان بر خواهد بود بگونه ای که حتی طرفین پرونده از اطاله ی رسیدگی به ستوه خواهند آمد.

از ضعف‌های دیگر این گونه ادله، امحای ادله است. ممکن است تا ادای گواهی، گواهان در قید حیات نباشند ممکن است تا زمان تامین دلیل نیز گواه زنده نماند یا دچار بیماری شدید شود یا از دسترس خارج شود. عدم اطلاع دادگاه از وضعیت گواهان، ضعف دیگری برای استفاده از این ادله می‌باشد. بر اساس ماده‌ی ۱۹۷ قانون فوق، اگر دادگاه از وضعیت گواهان اطلاع نداشته باشد، باید تا زمان احراز شرایط و کشف وضعیت که نباید بیش از ده روز باشد، رسیدگی را متوقف نماید. پس عدم اجرای این بخش از ماده‌ی قانونی، رسیدگی به ادله را از حدود قانونی خارج می کند. رعایت این نکات به این معنا است که مدعی در جهت اثبات ادعای خود تلاش می کند دلایل دیگری را به محکمه ارائه نماید. (ایمانی، ۱۳۸۲، ۶۷)

چنانچه امکان حضور گواه در مرجع قضایی نباشد، با اختیار حاصله از ماده‌ی ۱۸۶ قانون مجازات اسلامی، مقام قضایی می‌تواند به صورت برخط ارتباط برقرار نماید یا فایل های ضبط شده را با احراز شرایط انتساب و احراز هویت بررسی و به آن استناد نماید. امکان تشخیص هویت گواه تا حدی دشوار است اما با بروزرسانی سامانه ی سی ام اس دادگستری و تکمیل اطلاعات آن و درج عکس و مشخصات گواهان در سیستم تا حد زیادی این مشکل رفع شده است و مقام قضایی می‌تواند با استفاده از عکسهای مخاطبان تا حدی آنان را شناسایی نماید. در واقع ضعف عدم شناسایی گواهان و متهمان، با ارتقای سامانه ی فوق تا حد زیادی برطرف شده است و یکی از اقدامات مؤثر و بسیار مثبت در این سالها این بوده است که اکنون مقامات قضایی به عکس و اطلاعات گواهان و متهمان دسترسی دارند و این موضوع جهت معرفی متهمان به گواهان در زمان ادای گواهی، بسیار کارآمد می‌باشد، چراکه اصولاً بسیاری از گواهان چهره ی متهمان را در محل می بینند اما آن‌ها را نمی شناسند. لذا با استفاده

از سامانه ی فوق و اقدام مذکور، این مشکل تا حد زیادی برطرف شده است. این در حالی است که اگر چهره ی متهمان را ذخیره کرده باشد، شاید باز نتوان بر اساس عکسهای ارائه شده متهمان را شناسایی کرد.

وقتی مبنای تصمیم مرجع قضایی، صرفاً اظهارات گواهان می‌باشد، ضروری است که در اظهارات گواهان مدافعه ی کافی انجام شود. در موارد متعددی، مشاهده شده است که گواهان بین مفاد توهین، تهدید و افترا فرقی قائل نشدند، لذا لازم است قبل از شروع شهادت آنان در این مورد توضیح کافی به گواهان ارائه شود. لازم است عناوین مجرمانه دقیقاً از گواهان سوال شود. در پرونده‌ای گواه اعلام نمود: " متهم به شاکی توهین کرد." از گواه سوال شد که عبارت توهین چه بود. گواه اعلام نمود: " متهم اعلام نمود خاک بر سر من ". در حالی که آن عبارت توهین به طرف مقابل تلقی نمی‌شود. در مواردی از گواه سوال می‌شود که آیا تهدید شنیده است، گواه در پاسخ اعلام می نماید تهدید شنیده است و بر اساس همین مطلب حکم محکومیت صادر می‌شود. در حالیکه گاهی از گواه سوال می‌شود عنوان تهدید چه بوده است. گواه در پاسخ اعلام می نماید: " متهم گفت حق خود را از قانون می گیرم. " این جمله قانوناً تهدید محسوب نمی‌شود، چراکه متهم مدعی شده است از مجاری قانونی پیگیر حق خود خواهد بود و این حق طبیعی هر شهروند می‌باشد، در حالیکه ممکن است همان جمله ی کلی گواه، مبنای رای محکومیت متهم شود، لذا اخذ اظهارات دقیق گواهان در صدور رای عادلانه بسیار مؤثر می‌باشد، عدم توجه به این موضوع موجب نقض حقوق طرفین خواهد شد. (بازگیر، ۱۳۹۵، ۸۹)

لذا دشواری اخذ اظهارات گواهان، تراکم جمعیت طرفین پرونده‌ها در شعب، عدم تمایل گواهان برای حضور در مراجع قضایی و انتظامی، از ضعف‌های استفاده از گواهان محسوب می‌شود.

در بسیاری از پرونده‌ها که شاکی مدعی ارتکاب جرم بصورت مکرر از سوی متهم می‌شود، به شکات پیشنهاد می‌شود بلحاظ مشکلات و ضعف‌های مذکور، از ادله ی دیگر استفاده نمایند و بیشتر به استفاده از دوربین برای ضبط عناوین مجرمانه توصیه می‌شود.

در موارد متعددی، گواه مدعی است که متهم همان اقدام مجرمانه را علیه خود گواه در همان زمان انجام داده است، بعنوان مثال؛ در بسیاری از دعاوی خانوادگی، گواه مدعی است که متهم هم به شاکی توهین کرده است و هم به گواه. چنانچه این‌گونه گواهی‌ها، برای مقام قضایی علم آور باشد، مقام قضایی بر اساس ماده‌ی ۱۷۷ قانون مجازات اسلامی می‌تواند ضمن استدلال و اشاره به این موضوع در رای خود و اشاره به منشا علم خود، حکم محکومیت صادر نماید؛ اما در شرایطی که گواهان خود قربانی جرم بوده اند، چگونه میتوان با قاطعیت اعلام کرد که این ادای گواهی، با تبنای قبلی انجام نگرفته است؟ پس مقام قضایی در بررسی شرایط گواه معرفی شده لازم است به احراز خصومت و ذینفع بودن وی توجه کافی نماید. این موضوع که گواه اساساً دارای نفع و دارای خصومت هست یا نه خود جای تامل دارد و خود نوعی چالش بزرگ در ادله ی اثبات محسوب می‌شود.

از ضعف‌های دیگر این‌گونه ادله، اطلاع طرف مقابل از گواهی گواه و بروز خصومت و چه بسا درگیری میان طرفین پرونده با گواه می‌باشد. در موارد بسیاری دیده شده است طرفین پرونده از مفاد گواهی گواه ناخوشنود بودند و نسبت به گواه اقدامات مجرمانه ای انجام داده اند و همین موضوع منجر به پرونده ی دیگری شده است. این خصومت محدود به رابطه ی گواه و متهم نمی‌باشد و خیلی اوقات شاکی نیز از گواه ناراحت می‌شود. برای رفع این مشکل تاحدی می توان بر اساس اجازه ای که قانون داده از ارائه ی مشخصات گواهان به طرفین خودداری نمود اما این موضوع برای تمام پرونده‌ها امکان ندارد و بهر حال این موضوع از ضعف‌های این موضوع می‌باشد. (دیانی، ۱۳۸۵، ۱۸۵)

چنانچه قرار است دادگاه بر مبنای گواهی گواهان صدور رای نماید، لازم است به شرایط لازم برای پذیرش گواهی نیز اهمیت دهد و شرایط مندرج در قانون و شرع برای پذیرش گواه را یک به یک بررسی نماید.

“ان جهل استزکی” همانطور که شهید اول اعلام کرده است، توجه به عدالت گواه آنقدر اهمیت دارد که اگر این موضوع روشن نباشد، لازم است مدعی، عدالت وی را اثبات نماید. شرایط عدالت در قانون مجازات اسلامی و در شرع قید شده است، اما در عرف قضایی چه میزان می توان به عدالت گواه توجه کرد؟ گواه معرفی شده تا چه میزان حاضر است اطلاعات شخصی خود را در اختیار مرجع قضایی قرار بدهد؟ معرف گواه نیز تا چه میزان حاضر است در این زمینه نقش ایفا نماید و اطلاعات گواه را در این خصوص به مرجع قضایی ارائه نماید؟ از آنجا که بسیاری از گواهان بلحاظ بیم جانی و مالی حتی حاضر به ادای گواهی نیستند، طبیعتاً اگر بدانند مرجع قضایی قصد ورود به اطلاعات شخصی گواه را دارد، تمایل کمتری به ادای گواهی خواهند داشت و در نهایت ممکن است همان ادله ی اندک نیز به این صورت از بین برود؛ اما این ضعف نباید موجب عدم عمل به قانون و شرع شود و باید بر اساس عرف قضایی، در حد معقول و در حدود قانونی به شرایط گواه از جمله عدالت وی سوابق وی، توجه کرد تا موجبات نقض حقوق طرفین با گواهی نادرست فراهم نشود. لذا توجه به شرایط خاص هر گواه و لزوم بررسی کامل شرایط گواه، منجر به این می شود که کمتر از این ادله استفاده شود. بر اساس ماده ی ۱۹۷ قانون مجازات اسلامی، چنانچه دادگاه از وضعیت گواهان اطلاع نداشته باشد، لازم است رسیدگی را موقتاً متوقف نماید، گرچه در عمل کمتر دیده شده است دادگاه بر اساس ماده ی فوق عمل نماید اما دقت در شرایط گواه، مورد توجه مقنن بوده است، لذا شایسته است محاکم بدون توجه به زمان بر بودن این موضوع، به این ماده ی قانونی توجه داشته باشند. (زراعت، ۱۳۹۸، ۴۲)

### پیامکها و تماس های استنادی طرفین

پیامک های تبادل شده ی میان طرفین دعوا از طریق سیم کارت آن ها و پیامک های تبادل شده در پیام رسان های آن ها، می تواند برای مقام قضایی علم آور باشد و مقام قضایی بر اساس علم خود و استناد به آن ها مستند به ماده ی ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی رای صادر نماید.

قوت این ادله به در دسترس بودن آنهاست. مدعی پیامک ها می تواند به راحتی با چاپ پیامک ها و ارائه ی گوشی خود و در صورت لزوم مستند سازی توسط ضابطین متخصص، دلائل خود را ارائه نمایند. این ادله نسبت به استفاده از گواهان مفید تر است، چراکه در دسر تردد گواهان و احراز شرایط خاص گواهان و ازدحام جمعیت در مراجع قضایی و غیره را ندارد. در صورت لزوم، جهت استعلام مالک شماره ها نیز مقام قضایی می تواند به راحتی بصورت آنلاین استعلام نماید و استفاده از شماره تلفن موجب اطاله ی رسیدگی برای استعلام نخواهد شد؛ اما ضعف این ادله این است که حداقل در یک مورد محرز شد که شرکت ارتباطی توسط شاکی هک شد و شاکی خودش اقدام به ارسال پیامک به گوشی خود نمود بگونه ای که متهم، ارسال کننده ی پیامک شناخته شد. اثبات هک شرکت ارتباطی و عدم انتساب پیامک به متهم کاری دشوار و زمان بر می باشد و نم توان برای هر پرونده ای به این موضوع ورود کرد اما در قریب به اتفاق موارد، با ارائه ی پیامک ها به طرفین پرونده، با توجه به موضوعات تبادل شده، هر دو طرف ارسال پیامک ها را قبول داشته اند و ارسال پیامک ها، در جهت اثبات یا رد واقعیت های پرونده بسیار راهگشا خواهد بود.

تماس های صوتی طرفین نیز با احراز همان شرایط می تواند برای مقام قضایی علم آور باشد. بر اساس ماده ی ۶۵۹ آیین دادرسی کیفری، مقام قضایی می تواند با احراز شرایطی از طریق سیستم های ارتباطی، اطلاعات آنان را کسب نماید. این ادله و

اظهارات آنان، با احراز شرایط مندرج در قانون، کاملاً معتبر می‌باشد، اما از آنجاییکه ممکن است گواه معرفی شده که حتی بصورت تصویری صوتی با مقام قضایی یا با ضابط قضایی صحبت می‌کند، مورد سواستفاده ی دیگران باشد و در محیطی باشد که مطالبی به او القا نمایند، لذا شایسته است تا در حد امکان، از استفاده از چنین امکاناتی پرهیز شود. در واقع این مطلب، نقطه ضعف این موضوع می‌باشد.

البته زمانی که مقام قضایی بدون هماهنگی قبلی با گواه ارتباط تصویری برقرار می‌کند، این مشکل تاحدی بوجود نخواهد آمد؛ اما این ضعف وجود دارد که گواه در شرایط خاص دادگاه قرار نخواهد گرفت و ممکن است مطالبی را بدون دقت و توجه کافی اعلام نماید یا بدون توجه به ادای سوگند، مطالبی را بدور از واقعیت اعلام نماید. این موارد از ضعف‌های اعمال ماده ی فوق هستند اما شاید بی‌مناسبت نباشد مقام قضایی بتواند اطلاعات غیر اصلی پرونده را از این طریق تکمیل نماید تا از تردد بی‌مورد گواه یا دیگران خودداری شود.

فایده ی پیامک‌ها و تماسها در بی‌هزینه بودن آنهاست. گواهان این اختیار را دارند که هزینه ی ایاب و ذهاب را دریافت نمایند اما پیامک‌های استنادی و تماسهای استنادی، فاقد هزینه ی آنچنانی می‌باشد.

در پرونده‌ای شاکی مدعی شده بود پیامک‌های حاوی توهین از سوی متهم برای وی ارسال شده است و برای این موضوع شکایت مطرح کرده بود. متهم مدعی شده بود که گوشی خود را بصورت امانت تحویل شاکی داده است و شاکی خودش جهت تحت فشار قراردادن متهم، اقدام به ارسال پیامک به گوشی شاکی نموده است و سپس اقدام به طرح شکایت نموده است. در این حالت با توجه به قاعده ی "البیته علی المدعی" بار اثبات دلیل بر دوش متهم است. وقتی وی گوشی را امانت تحویل می‌دهد باید آثار و تبعات آنرا نیز بپذیرد و ادعای خود را اثبات نماید. در غیر اینصورت مسئولیت کیفری توهین همچنان بر دوش وی است.

پیامک‌ها و تماسهای طرفین نه تنها در جرایم توهین و تهدید تلفنی، بلکه در بسیاری از جرایم مؤثر است. در پرونده‌ای شاکی برای خیانت در امانت یک فقره چک شکایت نمود و مدعی شد در معامله ای که با متهم داشته است چک را امانت تحویل متهم داده است و پس از پرداخت وجه چک، تقاضای استرداد چک را داشته است که مسترد نشده است. متهم مدعی شد که چک در واقع ثمن معامله بوده است و امانت نبوده است شاکی اصرار داشته است که چک را امانت جلوه دهد تا از طریق مجازات کیفری، متهم را تحت فشار قرار بدهد. شاید طرفین خودشان نمی‌دانستند که در حقیقت این چک، ثمن معامله می‌باشد یا اینکه امانت بوده است، قرارداد کتبی نیز در میان نبوده است. در این وضعیت، برای بررسی پیامک‌های طرفین، بررسی تماس‌های طرفین در احراز واقعیت‌ها بسیار مؤثر می‌باشد و این از قوت‌های پیامک‌های تبادل شده می‌باشد. در حالیکه در بسیاری از موارد حتی گواهانی که در ذیل قرارداد حضور دارند، اطلاعی از جزئیات قرارداد و آنچه که در ذهن طرفین بوده است، ندارند اما پیامک‌های طرفین چه از طریق سیم کارت و چه از طریق پیام‌رسانها در آشکار کردن واقعیت و قصد طرفین بسیار راهگشا می‌باشد. (گلدوزیان، ۱۳۹۴، ۱۸۶)

جالب تر آنکه گاهی برای احراز واقعیت نیازی نمی‌باشد پیامک‌ها حتماً از سوی طرفین پرونده باشد، گاهی اوقات پیامک‌ها از سوی طرفین پرونده برای خویشاوندان طرف مقابل ارسال می‌شود. در همان پرونده چه بسا ارائه ی پیامک‌ها از سوی اطرافیان پرونده به طرف پرونده، ابهامی را رفع نماید و قصد طرفین در تبادل چک را آشکار می‌کند.

از آنجا که این‌گونه پیامک‌ها وصف کیفی ندارند و فقط در جهت کشف موضوع پرونده مؤثر خواهند بود کمتر پیش آمده است که در خصوص آن‌ها ادعای انکار مطرح شود یا فردی قصد جعل پیامک یا فایل صوتی را نماید بلکه در عمل قریب به اتفاق طرفین پرونده اصالت فایل‌ها را پذیرفته‌اند و لذا ضعفی که در بحث قبلی بود، وجود ندارد. (گلدوزیان، ۱۳۹۵، ۱۴۲)

بنابراین از این گفتار برداشت می‌کنیم همانطور که معمار ساختمان برای احداث ساختمان به بهترین شکل باید اشراف به ویژگی‌های خاص هر ابزار و مصالح ساختمان‌ای داشته باشد، افرادی که با پرونده‌ای سروکار دارند شایسته است به ویژگی‌های خاص هر ادله آگاهی داشته باشند تا بهترین روند رسیدگی عادلانه و بدون از اطاله‌ی رسیدگی انجام شود. شناخت استفاده از هر ادله و اطلاع از قوت و ضعف هر ادله، به معنای عملکرد سنتی و رسیدگی دور از قانون نیست. اشراف و تسلط به قوت و ضعف ادله صرفاً "برای مقام قضایی نیست، بلکه وکلا و شکات نیز در صورت تسلط کافی به ادله، کمک موثری در جهت اجرای عدالت و احقاق حق می‌توانند نمایند، چراکه ممکن است مقام قضایی در اثر غفلت به برخی شرایط خاص ادله مانند تعدد اقرار در قذف توجه ننماید، اطلاع وکیل متهم در این زمینه در صدور رای عادلانه حائز اهمیت می‌باشد. در پرونده‌ی مفاسد اقتصادی کلان که در رسانه‌ها گزارش آن منتشر شد، وکیل متهم در جرم مالی، در مقام دفاع از موکل خود تقاضای اجرای قسامه را نمود، این مطلب که در رسانه‌ها بازتاب داشت، حکایت از این داشت که وی آشنایی چندانی با جایگاه هر ادله را ندارد، لذا تسلط کافی به قوت و ضعف ادله بسیار اهمیت دارد.

## منابع و مأخذ

۱. اردبیلی محمد علی، حقوق جزای عمومی، بنیاد حقوقی میزان، چاپ ۱۶، ۱۳۹۷
۲. اسدی نیا، شهناز ادله اثبات دعوی انتشارات پندار پارس ۱۳۹۰
۳. امینی علیرضا، آیتی محمدرضا، تحریر الاروضه فی شرح لمعه، سازمان مطالعه و تدوین کتل انسانی (سمت)، بهار ۱۳۸۰
۴. ایمانی، عباس فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری، آریان، تهران ۱۳۸۲، جلد اول
۵. آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، مجلدات اول تا سوم انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۹۶.
۶. آشوری، محمد آیین دادرسی کیفری جلد اول انتشارات سمت، چاپ پنجم، ۱۳۹۸.
۷. بازگیر، یدالله ادله اثبات دعوی و احکام راجع به آنها، انتشارات فردوسی، ۱۳۹۵
۸. جعفری لنگرودی، محمد، جعفر دایره المعارف علوم، اسلامی قضایی، انتشارات گنج دانش، بیتا دوم، ۱۳۸۶
۹. خالقی علی، آیین دادرسی کیفری، موسسه ی مطالعات و پژوهش های حقوقی شهردانش، چاپ ۲۵، ۱۳۹۳
۱۰. دیانی، عبدالرسول ادله اثبات دعوی در امور مدنی و کیفری انتشارات تندیس، چاپ، ۱۳۸۵.
۱۱. زراعت، عباس ادله اثبات دعوی، انتشارات قانون مدار، ۱۳۹۸
۱۲. گلدوزیان، ایرج، گفتارهایی در حقوق کیفری، نشر دادگستر، ۱۳۹۵.
۱۳. گلدوزیان، ایرج، حقوق کیفری، تطبیقی جلد اول انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۹۴.